

تحلیل شکاف مهارت و نیازهای آموزشی دانشجویان دکترای تخصصی دانشگاه علوم پزشکی تهران در رابطه با راهبردهای تدریس

مریم نجفی: دانشجوی دکترای حرفه ای، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

مینو نجفی: دانشجوی دکترای حرفه ای، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

* فاطمه کشمیری: دانشجوی دکترای تخصصی آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران (*نویسنده مسئول).

Fkeshmiri1385@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۲/۶/۳۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۳۰

چکیده

زمینه و هدف: تربیت دانشجویان دکترای تخصصی به عنوان مدرسین و اعضای هیئت علمی آینده‌ی دانشگاه‌های کشور نیازمند برنامه‌ریزی مدون مبتنی بر نیازسنجی‌های سیستماتیک است. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی نیازهای آموزشی دانشجویان دکترای تخصصی دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام شد.

روش کار: پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی و کاربردی است که به صورت مقطعی در سال ۱۳۹۰ انجام شد. جمعیت مورد مطالعه دانشجویان دکترای تخصصی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران بود. نمونه‌گیری به صورت سرشماری انجام شد. گردآوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه‌ی استاندارد (الفای کرونیخ مهارت ۸۶٪ و نیاز آموزشی ۹۵٪) که شامل دو بخش مشخصات فردی و ۱۶ گویه مهارت‌ها و نیازهای آموزشی مرتبط با فنون تدریس با مورد بررسی قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های توصیفی - تحلیلی نرم افزار SPSS16 انجام شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد دانشجویان دکترای تخصصی رشته‌ی مختلف دانشکده پزشکی با کسب میانگین ۳٫۹۸ از ۵ در کلیه حیطه‌های مورد بررسی، به آموزش و کسب تجربه نیاز دارند. "چگونگی ارائه مطالب درسی بر اساس ساختار منطقی" (۴٫۴)، "روش‌های ایجاد انگیزه در فراگیران" (۴٫۳) و "آشنایی با منابع اطلاع رسانی دانشگاهی، کلیات تفکر انتقادی، نحوه تهیه و نگارش طرح درس و کلیات مفاهیم تدریس" با کسب میانگین مشابه در (۴٫۲) در رتبه سوم نیاز آموزشی قرار گرفت. همچنین دانشجویان با کسب میانگین ۲٫۶۵ در کلیه ۱۶ موضوع مورد بررسی، مهارت خود را در سطح آشنایی بدون تسلط اجرایی ارزیابی کردند. کمترین مهارت‌های دانشجویان دکترای تخصصی در موضوعات مرتبط با ارزشیابی فراگیران بوده است.

نتیجه‌گیری: باتوجه به نیازهای دانشجویان دکترای تخصصی، لزوم برگزاری دوره‌های آموزشی مجموعه فنون تدریس و ارزشیابی مبتنی بر نیاز آنان با تاکید بر رویکرد مبتنی بر توانمندی یکی از الزامات تربیت مدرس در سیستم آموزشی است.

کلیدواژه‌ها: نیازسنجی، مهارت تدریس، آموزش، توانمندی

مقدمه

در راستای بهبود عملکرد سیستم آموزشی در دانشگاه‌ها، آموزش اعضای هیئت علمی و مدرسین به‌عنوان فاکتور کلیدی در فرایند یاددهی - یادگیری، نقش مؤثری بر عهده دارد. مطابق دیدگاه طراحی سیستماتیک آموزشی مدرس اساسی ترین عامل برای ایجاد موفقیت مطلوب در تحقق هدف‌های آموزشی است. استاد می‌تواند نقص کتاب‌های درسی و کمبود امکانات آموزشی را جبران کند یا برعکس، بهترین موفقیت و موضوع تدریس را با عدم توانایی در ایجاد ارتباط عاطفی مطلوب به محیط غیرفعال و غیرجذاب تبدیل کند. (۳-۱)

ارکان اساسی آموزش در هر دانشگاه استاد، دانشجو و محیط آموزشی می باشد. بدیهی است که اختلال در هر یک از این سه رکن سبب افت کیفیت آموزشی خواهد شد لذا ضروری است کلیه ارکان آموزش تقویت گردد. با توجه به اینکه فرایند یاددهی - یادگیری تحت تأثیر عوامل متعددی همچون رفتارهای فراگیران، تمایل به یادگیری، محتوای درسی، محیط و منابع فیزیکی است، محققان عرصه آموزش، تدریس مؤثر و کارآمد را مهم ترین عامل در پیشرفت آموزشی و یادگیری دانشجویان تشخیص داده‌اند. تدریس کارآمد مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و اعمال مدرس است که از طریق آن‌ها اهداف آموزشی حاصل می‌شود.

می‌شود و بدین‌سان بنیانی دقیق‌تر برای تضمین کیفیت و سودمندی برنامه‌ی آموزش کارکنان به دست می‌آید (۸).

لذا یکی از مهم‌ترین مراحل تدوین برنامه‌های توانمندسازی کارکنان "نیازسنجی" است. مفهوم نیازسنجی به معنای فرایند جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات است که منجر به شناسایی نیازهای افراد، گروه‌ها، مؤسسات، جامعه‌ی محلی و یا جامعه می‌شود که در طی آن در مورد تشخیص نیازها - تعیین اولویت نیازها و تعیین محتوای آموزشی موردنیاز تصمیم‌گیری می‌شود و این تصمیم‌گیری مبنای برنامه‌ریزی آموزشی قرار می‌گیرد. نیازهای آموزشی شناخته شده می‌تواند در تعیین و فراهم‌سازی اهداف، درون داد آموزشی مناسب و کاربرد سودمند منابع در راستای توانمندی‌سازی کارکنان به‌منظور دستیابی به اهداف نقش مؤثری ایفا نماید (۸-۱۰).

با توجه به تغییرات روزافزون در سیستم آموزشی، نیازسنجی به‌منظور تعیین نیازهای آموزشی مدرسین یکی از چالش‌های عمده مراکز توسعه‌ی مطالعات دانشگاه‌های علوم پزشکی در راستای اهداف نظام آموزشی است. رسالت اصلی دانشگاه‌های علوم پزشکی تربیت نیروی انسانی به‌منظور ارتقای بهداشت و درمان جامعه است. اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها متولی آموزش نسل جدیدی هستند که لازم است این خدمات را ارائه نمایند. این در حالی است که اکثریت اساتید دانشگاه در زمینه‌ی روش‌های تدریس، آموزش رسمی ندیده‌اند (۱۱-۱۲). اغلب مدرسین در مورد محتوی، موضوعات و آنچه باید آموزش دهند متخصص هستند، ولی در مورد اینکه چگونه باید آموزش دهند، آموزشی نداشته‌اند و بسیاری از آنان با روش‌های تدریس، برنامه‌ریزی و ارزیابی آموزشی آشنایی کافی ندارند (۱۲). لذا ضروری است در راستای ارتقای عملکرد سیستم آموزشی دانشگاه‌های کشور برگزاری دوره‌های آموزشی مرتبط با فنون تدریس با برنامه‌ریزی مدون توسط متولیان تربیت و توسعه‌ی نیروی انسانی در سیستم آموزشی موردتوجه قرار گیرد. یکی از دغدغه‌های دانشگاه‌های کشور

اثربخشی تدریس، بستگی به توانایی و مهارت اساتید در تعیین اهداف و انتظارات آموزشی، ایجاد محیط یادگیری حمایتی، بکارگیری روش‌های مناسب آموزشی، ارزیابی و سنجش فراگیران و بازخورد سازنده، ارزشیابی برنامه، روزآمد بودن اطلاعات علمی مدرس، برقراری مهارت ارتباطی مطلوب دارد (۴،۵).

کیفیت یاددهی - یادگیری در نظام‌های دانشگاهی مستلزم نگاه جدی به تمامی عوامل درگیر در فرایند یاددهی - یادگیری است. بدون شک، اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها در این فرایند از عوامل عمده و مؤثر محسوب می‌شوند. جهت بهبود فرایند یاددهی - یادگیری، هم توسعه مداوم فردی اعضای هیأت علمی و هم ارزشیابی وظایفی که در این فرایند به عهده دارند، از شاخصه‌های یک دانشگاه موفق است (۶).

توسعه مداوم فردی و آموزش اعضای هیئت‌علمی یکی از مهم‌ترین فرایندهای انطباق و سازگاری د افراد در فرایند مدیریت تغییر در راستای دستیابی به اهداف سیستمی، نیازهای جامعه است. "سیستم جهانی کار" از آموزش کارکنان به‌عنوان ابزار بنیادی جهت آماده‌سازی ایفای نقش مؤثرتر در جامعه تعریف می‌کند (۷). به‌عبارت‌دیگر برگزاری دوره‌های آموزشی می‌تواند افراد را در راستای اهداف سیستم و ایفای نقش افراد در سیستم آماده سازد. نظر به اینکه حیات و بقای سیستم تا حدود زیادی به دانش و مهارت کارکنان آن بستگی دارد. ارائه‌ی برنامه‌های آموزشی از طریق دوره‌های رسمی بازآموزی، سمینارها، ژورنال کلاب‌ها، سمپوزیوم‌ها، کارگاه‌ها و سایر روش‌ها و فن‌های آموزشی مختلف که با هزینه‌های زیادی انجام می‌شود. می‌توان اثربخشی سیستم را در کسب اهداف سیستم در پی داشته باشد؛ اما کلید اثربخشی این اقدامات، برنامه‌ریزی بر اساس نیاز مخاطبان است. به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده، شناخت و بررسی نیازهای آموزشی، پیش‌نیاز یک سامانه‌ی آموزشی موفق است. شناسایی نیازهای آموزشی، نخستین گام برنامه‌ریزی آموزش کارکنان به شمار می‌رود. اگر این گام به‌درستی برداشته شود، زمینه‌ی پیشرفت برنامه‌ی درست، فراهم

آشنایی ندارم به ترتیب با نمرات ۱ تا ۴ مشخص شده بود. به علاوه، نیاز آموزشی جامعه مورد بررسی نیز با توجه به همان گویه‌ها به صورت ۵ درجه‌ای به صورت خیلی زیاد تا خیلی کم و با نمرات ۱ تا ۵ مورد پرسش قرار گرفت.

در تجزیه و تحلیل داده‌ها، میانگین نمرات گزینه‌ها به عنوان ملاک برای قضاوت وضعیت مهارت در نظر گرفته شد. بنابراین، برای مهارت، نمره ۲,۵ به عنوان معیار در نظر گرفته شد و نمره کمتر به عنوان سطح مهارت پایین تلقی گردید. معیار نمرات نیاز آموزشی نیز نمره سه است و نمرات بیشتر از سه بیانگر نیاز به آموزش در آن زمینه است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های توصیفی-تحلیلی نرم‌افزار SPSS16 انجام شد.

یافته‌ها

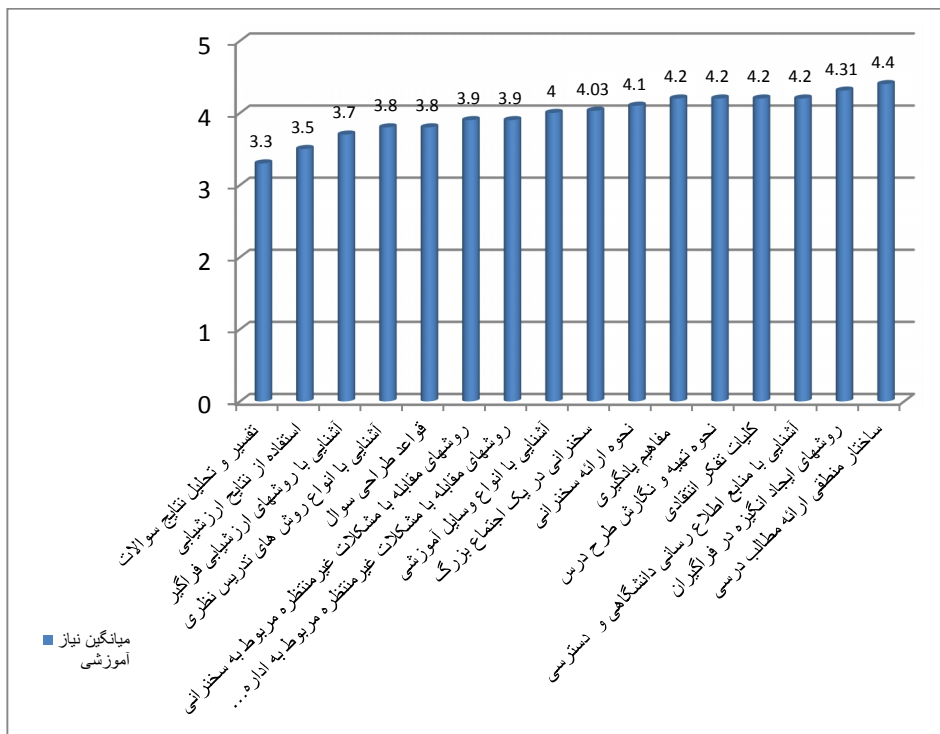
در این مطالعه کلیه دانشجویان سال اول و دوم دکترای تخصصی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در مطالعه وارد شدند (۷۸ نفر) که از این تعداد ۳۸ نفر دانشجویان مرد (۴۸,۷ درصد) و ۵۱ نفر دانشجویان زن (۵۱,۳ درصد) بودند. نرخ پاسخگویی ۱۰۰ درصد میانگین سنی دانشجویان مورد مطالعه $30,7 \pm 5,6$ بوده است. ۸۴,۶ درصد دانشجویان در کارگاه‌های آموزشی مرتبط با مهارت‌ها و فنون تدریس شرکت نکرده بودند؛ و ۹۳,۶ هیچ واحد درسی در رابطه با فنون تدریس نگذرانده بودند.

نتایج نشان داد دانشجویان دکترای تخصصی رشته‌ای مختلف دانشکده پزشکی با کسب میانگین ۳,۹۸ از ۵ در کلیه حیطه‌های مورد بررسی، به آموزش و کسب تجربه نیاز دارند. نتایج مطالعه نشان داد در بین موضوعات مورد بررسی به ترتیب «چگونگی ارائه مطالب درسی بر اساس ساختار منطقی» (۴,۴)، «روش‌های ایجاد انگیزه در فراگیران» (۴,۳) و «گویه ی» آشنایی با منابع اطلاع‌رسانی دانشگاهی، کلیات تفکر انتقادی، نحوه تهیه و نگارش طرح درس و کلیات مفاهیم تدریس با کسب میانگین مشابه در (۴,۲) در رتبه سوم نیاز آموزشی قرار گرفت.

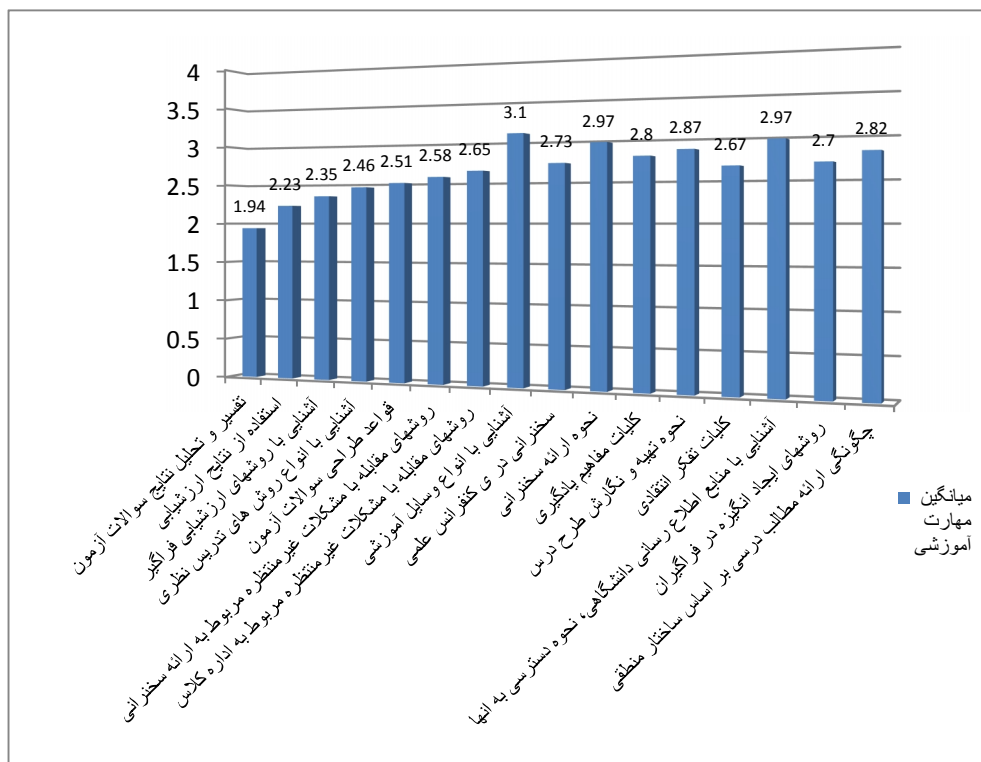
بازنشستگی اساتید با تجربه و جایگزینی اساتید جوان اما بی‌تجربه است لذا آماده‌سازی مدرسین جوان برای ایفای نقش به‌عنوان مدرس یکی از چالش‌های جذب هیئت‌علمی در سیستم‌های آموزشی است. یکی از جایگاه‌های مهم برای توانمندسازی مدرسین جوان، دوره‌های آموزشی حین کار و مهم‌تر از آن مقطع تحصیلات تکمیلی به‌عنوان آماده‌سازی پیش از ورود به سیستم آموزشی است. لذا متولیان جذب و توانمندسازی هیئت‌علمی در وزارت بهداشت و نیز دانشگاه‌های علوم پزشکی در سراسر کشور می‌توانند با برنامه‌ریزی مدون و برگزاری دوره‌های آموزشی مرتبط، بستر مناسبی را در راستای اهداف والای آموزشی و حرکت به سمت دانشجو محوری و رویکردهای نوین آموزشی و تدریس فراهم آورند. لذا پژوهش حاضر باهدف بررسی مهارت‌های تدریس و نیازهای آموزشی دانشجویان دکترای تخصصی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین متولیان آموزش تحصیلات تکمیلی در کشور انجام شد.

روش کار

پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی کاربردی است که به‌صورت مقطعی در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام شد. جمعیت مورد مطالعه دانشجویان سال اول و دوم دکترای تخصصی دانشکده پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی تهران بودند. نمونه‌گیری به‌صورت سرشماری انجام شد و کلیه دانشجویان دکترای تخصصی دانشکده پزشکی در مطالعه وارد شدند (۷۸ نفر). گردآوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه‌ی استاندارد که روایی صوری و محتوای پرسشنامه، توسط کارشناسان و صاحب‌نظران آموزشی تأیید شده است، (آلفای کرونباخ مهارت ۰,۸۶ و نیاز آموزشی ۰,۹۵) انجام شد (۱۳). پرسشنامه مذکور شامل دو بخش است که در ابتدا، مشخصات فردی و سپس مهارت‌ها و نیازهای آموزشی دانشجویان با ۱۶ گویه مورد بررسی قرار گرفت، در مقابل هر گویه، سطح مهارت فرد به‌صورت در حد تسلط و الگو شدن، تسلط در حد اجرا، آشنایی بدون تسلط اجرایی و



نمودار ۱- نیازهای آموزشی دانشجویان دکترای تخصصی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران



نمودار ۲- وضعیت مهارت های تدریس دانشجویان دکترای تخصصی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

کردند. کمترین مهارت دانشجویان دکترای تخصصی در موضوعات مرتبط با " تفسیر و تحلیل نتایج سوالات آزمون (۱/۹۴) و استفاده از نتایج

نتایج نشان داد دانشجویان با کسب میانگین ۲,۶۵ در کلیه ۱۶ موضوع موردبررسی، مهارت خود را در سطح آشنایی بدون تسلط اجرایی ارزیابی

چرخه برنامه‌ریزی آموزشی مرتبط با فنون تدریس در راستای تربیت و توانمندسازی مدرسین و اعضای هیئت‌علمی این ده کشور، مورد استفاده قرار گیرد که این مهم نیاز به برگزاری دوره‌های آموزشی مرتبط با فنون تدریس و توانمندسازی منطبق با نیاز دانشجویان را ضروری می‌سازد.

نتایج مطالعه نشان داد در بین موضوعات موردبررسی به ترتیب "چگونگی ارائه مطالب درسی بر اساس ساختار منطقی" (۴،۴)، "روش‌های ایجاد انگیزه در فراگیران" (۴،۳) و "گویه‌ی "آشنایی با منابع اطلاع‌رسانی دانشگاهی، کلیات تفکر انتقادی، نحوه تهیه و نگارش طرح درس و کلیات مفاهیم تدریس" با کسب میانگین مشابه در (۴،۲) در رتبه سوم نیاز آموزشی قرار گرفت.

"چگونگی ارائه مطالب درسی بر اساس ساختار منطقی" یکی از عوامل مؤثر بر تدریس موفق در فرایند آموزش است. مفهوم ساختار منطقی تدریس مشتمل بر بیان هدف، مشخص نمودن رئوس مطالب، پروراندن و تقویت موضوع اصلی، خلاصه و نتیجه‌گیری می‌باشد که می‌تواند مدرس و فراگیر را در درک بهتر و ساختارمند فرایند تدریس یاری می‌دهد. فلسفه اصلی تدریس ساختارمند رعایت اصول نظریه‌های مختلفی همچون نظریه خبر پرداز ی یادگیری، طرح‌واره‌ی پیازه و نظریه‌ی معنی‌داری یادگیری آزوبل است (۱۴). طبق سه نظریه‌ی مذکور زمانی یادگیری ساختارمند اتفاق می‌افتد که پیش سازماندهی اولیه تشکیل و در روند تدریس مفاهیم جدید با پیش سازماندهی قبلی مرتبط می‌گردد و در پایان تدریس با خلاصه بندی و طبقه‌بندی مطالب جدید موجب یادآوری مجدد و بهبود یادگیری فراهم می‌آید (۱۴). تعیین روند ساختارمند تدریس به‌عنوان مهم‌ترین نیاز دانشجویان می‌تواند مؤید درک لزوم تدریس نظام‌مند در یادگیری بهتر فراگیران باشد. لذا این نیاز می‌تواند با برگزاری کارگاه و دوره‌های آموزشی مرتبط با مفاهیم یاددهی - یادگیری و نیز نحوه تدریس ساختارمند مرتفع گردد در مطالعه فرهادیان با توجه به اینکه جامعه مورد بررسی اعضای هیئت‌علمی بودند در الویت نیازهای آموزشی آن‌ها قرار نگرفته بود.

ارزشیابی (۲/۲۳)، آشنایی با روش‌های ارزشیابی فراگیران و مزایا و معایب هر روش (۲/۳۵) ارزشیابی کردند. هر سه مهارت تعیین‌شده در حیطه ارزشیابی فراگیران قرار گرفته است.

آزمون رگرسیون خطی جهت بررسی رابطه بین متغیرهای نیاز آموزشی و سطح مهارت دانشجویان دکترای تخصصی با متغیرهای دموگرافیک آن‌ها انجام شد. نتایج نشان داد رابطه معنی‌داری بین مهارت با سابقه تدریس موجود دارد ($Sig < .01$) اما رابطه معنی‌داری بین مهارت و جنس، کارگاه و تعداد واحدهای مرتبط با فنون تدریس وجود نداشت.

بین نیازهای آموزشی و مهارت‌های مرتبط با فنون تدریس دانشجویان موردبررسی نیز رابطه معنی‌داری وجود نداشت.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه مقطع تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها متولی تربیت و آماده‌سازی اعضای هیئت‌علمی آینده‌ی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور است لذا ضروری است در کنار آموزش تخصصی، آموزش فنون تدریس در برنامه‌های آموزشی رشته‌های مختلف لحاظ گردد.

نتایج مطالعه‌ی حاضر نشان داد دانشجویان دکترای تخصصی در رشته‌های مختلف دانشکده پزشکی با کسب میانگین ۳،۹۸ در کلیه حیطه‌های موردبررسی، به آموزش نیاز داشتند. از سوی دیگر بررسی مهارت‌های دانشجویان نیز نشان داد دانشجویان با کسب میانگین ۲،۶۵ در کلیه ۱۶ گویه موردبررسی، مهارت خود را در سطح "آشنایی بدون تسلط اجرایی" ارزیابی کردند که مؤید عدم توانمندی دانشجویان برای تدریس در کلاس است. لذا ضروری است مدیران آموزشی توجه بیشتری به آموزش مهارت‌های تدریس دانشجویان مذکور داشته باشند که لازمه آن بررسی نیازهای فراگیران، توسعه همکاری‌ها با مرکز مطالعات و توسعه دانشگاه جهت برگزاری دوره‌های آموزشی و ارزشیابی مهارت‌های تدریس در محیط‌های شبیه‌سازی شده و واقعی است. نتایج مطالعه حاضر می‌تواند به‌عنوان اولین گام در

موضوعات تخصصی و نیز پژوهش در آموزش را فراهم می‌کند. نیاز به آشنایی با منابع اطلاع‌رسانی و مجموعه مجلات الکترونیکی در مطالعه‌ی فرهادیان یکی از مهم‌ترین نیازهای اعضای هیئت‌علمی معرفی شد (۱۳). در پژوهشی دیگر رینر نشان داد اساتید پایین‌تر از مقطع دکتری نیاز بیشتری به استفاده از منابع اینترنت و شبکه جهانی وب اعلام داشتند اما اساتید با مدرک دکترا و بالاتر، نیاز کمتری را در حیطه استفاده از منابع یادگیری و تکنولوژی‌های اطلاع‌رسانی اعلام نمودند (۲۱). نتایج مطالعه حاضر نیز مؤید لزوم دوره‌های آموزشی در رابطه با موضوع مذکور است. لذا با توجه انتظارات سیستم آموزشی از اعضای هیئت‌علمی جوان به‌عنوان پژوهشگر و محقق، نیاز به آشنایی بیشتر دانشجویان با پایگاه‌های اطلاعاتی و نحوه کسب منابع قابل تفسیر است. در مطالعه حاضر نیز دانشجویان بیشترین تسلط را در این گویه اعلام کردند و از سوی دیگر با توجه به‌ضرورت آشنایی با کاربرد بیشتر منابع اطلاعاتی در انجام پژوهش موجب شد دانشجویان بیشترین نیاز در مهارت مذکور را نیز ابراز کنند که می‌تواند مؤید روند رو به رشد پژوهش در دوره‌ی تحصیلات تکمیلی و لزوم آشنایی با تکنولوژی‌های اطلاع‌رسانی و منابع الکترونیک باشد.

کلیات تفکر انتقادی یکی دیگر از نیازهای تعیین‌شده در مطالعه‌ی حاضر است. شورای ملی توسعه تفکر انتقادی در تعریف خود عنوان می‌کند تفکر انتقادی فرایندی نظام‌دار و عقلانی است که طی آن، فرد به‌طور فعال و متبحرانه به مفهوم سازی، کاربرد، تحلیل، ترکیب و ارزشیابی اطلاعات گردآوری شده یا تولید شده می‌پردازد و از طریق مشاهده، تجربه، تأمل و استدلال به سمت باور و عمل پیش می‌رود (۲۲). تفکر انتقادی را می‌توان توانایی و گرایش فرد برای سنجش نتایج امور و تصمیم‌گیری درباره‌ی آن بر اساس شواهد" تعریف کرد (۱۴). در رویکردهای نوین آموزش، نقش مراکز آموزشی به‌عنوان مخزن اطلاعات و اساتید به‌عنوان سخنران و انتقال‌دهنده اطلاعات، تغییر کرده است و دانشجویان بجای اینکه صرفاً به کسب و حفظ اطلاعات بپردازند، باید مهارت خویش را در

درحالی‌که که نیاز دانشجویان دکترای تخصصی با توجه به عدم تجربه تدریس تفسیرپذیر است (۱۵). روش‌های ایجاد انگیزه در الویت دوم نیاز آموزشی دانشجویان مذکور قرار گرفت. ایجاد انگیزه زیرساخت اساسی در راستای یادگیری بهتر است. انگیزه را می‌توان وسیله و هدف یادگیری تلقی کرد. انگیزه به‌عنوان هدف یادگیری به معنی تأکید بر جنبه‌ی عاطفی مطالب آموزشی به‌منظور ایجاد علاقه و یادگیری در فراگیر است. وسیله بودن انگیزه به‌صورت آمادگی روانی، پیش‌نیاز یادگیری در نظر گرفته می‌شود که تأثیر آن بر یادگیری کاملاً آشکار است (۱۴). انگیزه تحصیلی می‌تواند بستر مناسبی را جهت افزایش کارایی و اثربخشی نظام آموزشی و موفقیت و عملکرد دانشجویان فراهم آورد و بسیاری از پیامدهای آموزشی را رقم زند (۱۶-۱۹). لذا آشنایی با روش‌های ایجاد انگیزه از ضروریاتی است که می‌تواند در کارآمدی فرایند یادگیری نقش مؤثری داشته باشد. بنابراین تأکید بر آموزش روش‌های ایجاد انگیزه از موضوعات مهمی است که آموزش آن در دوره‌های آموزشی در رابطه با فنون تدریس ضروری می‌باشد. فرهادیان در پژوهش دیگر در سال ۸۷ نیز بر لزوم آموزش مدرسین در رابطه با روش‌های ایجاد انگیزه در فراگیران تأکید کرده است. با توجه به اهمیت عوامل انگیزشی در اثربخشی فرایند آموزش و پیامدهای آموزشی و غیرآموزشی در زندگی فراگیران، توجه به آن بیش‌ازپیش ضروری است (۲۰).

"آشنایی با منابع اطلاع‌رسانی دانشگاهی، کلیات تفکر انتقادی، نحوه تهیه و نگارش طرح درس و کلیات مفاهیم تدریس" در رتبه سوم بیشترین نیازهای آموزشی قرار گرفته است.

"آشنایی با منابع اطلاع‌رسانی" یکی از نیازهای اشاره شده در مطالعه حاضر است. با توجه به رشد روزافزون علوم در جهان آکادمیک امروز و رسالت دوره دکترای تخصصی، آشنایی با منابع اطلاع‌رسانی و پایگاه اطلاعاتی یکی از نیازهای محیط‌های آموزشی است. لذا آموزش در زمینه مذکور، امکان رشد و توسعه‌ی پژوهش در

تفکر و استدلال افزایش داده و پس از پردازش اطلاعات، آن‌ها را به کاربندند (۲۳). این در حالی است که هنوز هم در اکثر دانشکده‌های علوم پزشکی کشور، هدف‌های آموزشی، روش‌های تدریس و ارزشیابی دانشجویان، مبتنی بر یادسپاری حجم عظیمی از مطالب جزوه و کتاب‌های درسی است؛ و تحلیل، تفکر و استدلال کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد (۲۴). لذا در اولین گام در راستای حرکت به سمت تفکر انتقادی ضروری است مدرسین و اعضای هیئت‌علمی با اهمیت و شیوه‌های پرورش و توسعه‌ی آن آشنا شوند تا زمینه به‌کارگیری آن در دانشگاه‌های کشور فراهم آید.

پرورش تفکر انتقادی مستلزم آماده‌سازی شرایطی است که فرصت‌های متعددی را برای تحلیل اندیشه‌ها و ارزیابی آن، تصمیم‌گیری منطقی و ارج نهادن به دیدگاه‌های متنوع، تشویق گفتگوی آزاد بین فراگیران، تأکید بر استدلال منطقی فراهم آورد (۱۴). شرایط مذکور بر نقش فعال دانشجو و رویکرد حل مسئله که از اساسی‌ترین اهداف سیستم‌های آموزشی است، تأکید می‌کند. لذا آموزش مدرسین آینده در این حیطه می‌تواند نقش بسزایی در گسترش کاربرد تفکر انتقادی در بین فراگیران ایفا نماید. این امر اهمیت آموزش دوره‌های ایجاد و توانمندسازی تفکر انتقادی را در دوره‌های فنون تدریس بیش از پیش ضروری می‌سازد. بنابراین آموزش رویکرد تفکر انتقادی و روش‌های پرورش آن یکی از موضوعات الزامی در برنامه‌ریزی‌های مرتبط با فنون تدریس در دانشگاه‌ها است. در پژوهش دیگر نیز نیاز به آموزش تفکر انتقادی به‌عنوان الویت‌های اساسی برای مدرسی و اساتید مطرح شده بود که مؤید لزوم توجه جدی به آموزش آن در دوره‌های آمادگی بر تدریس می‌باشد (۲۰). تفکر انتقادی به‌عنوان نیاز آموزش مهم در مطالعات متعدد مورد توجه قرار گرفته شده است (۲۰، ۲۵). که این امر می‌تواند مؤید لزوم تأکید طراحان دوره‌های آموزشی بر مهارت‌های تفکر انتقادی است.

نحوه تهیه و نگارش طرح درس در الویت دوم

نیازهای آموزشی دانشجویان مورد مطالعه قرار گرفت. وجود مشکلات ناشی از عدم تناسب محتوای آموزش با اهداف دوره و مسئولیت‌های مدرس و فراگیر، تدوین چهارچوبی مشخص برای هر درس را ضروری می‌سازد (۲۶). تدوین طرح درس از مراحل اساسی فعالیت‌های قبل از تدریس محسوب می‌شود و می‌تواند چگونه آموزش دادن را به مدرس و چگونه آموختن را به فراگیر می‌آموزد (۲۷). لذا تدوین طرح درس می‌تواند برای مدرس (جهت ارائه آموزش مؤثر و باکیفیت) و برای فراگیر (بهبود دیدگاه آنان نسبت به کیفیت آموزش و ایجاد نظم منطقی و هماهنگی فعالیت‌ها) مفید واقع شود. با توجه به اهمیت طرح درس در تدریس ساختارمند، آموزش نحوه تدوین طرح تدریس یکی از الزامات در تربیت مدرسین و اعضای هیئت علمی است. مبارکی نیز در مطالعه خود ارائه کارگاه آموزشی و برنامه‌ریزی مدون جهت تحقق تدوین و اجرای طرح درس را در ارتقای فرایند آموزش و به‌تبع کسب پیشرفت تحصیلی دانشجو و پیشبرد عملکردهای مطلوب مراقبتی مؤثر قلمداد می‌کند (۲۸).

آویژگان در مطالعه خود استفاده از انواع روش‌ها و فنون آموزش و چگونگی تهیه طرح درس که یکی از ابزارهای تدریس ساختارمند است در الویت‌های نیازهای اعضای هیئت‌علمی قرار داده است (۲۹). همچنین در مطالعه‌ای دیگر، نحوه سامان‌دهی و تنظیم درس و علاقه‌مندی به تدریس از خصوصیات یک استاد توانمند معرفی شده است (۳۰). در مطالعه حاضر با توجه تجربه‌ی محدود دانشجویان دکترای تخصصی در تدریس مؤلفه‌ی مذکور در سه الویت اول نیازهای آموزشی قرار گرفته است.

کلیات مفاهیم یادگیری، تدریس و ارزشیابی نیز به‌عنوان سومین الویت نیاز آموزشی با کسب میانگین ۴٫۲ تعیین شد. برگزاری دوره‌های آموزشی در رابطه با مفاهیم یادگیری، تدریس و ارزشیابی می‌تواند در درک صحیح از اهمیت هریک از موضوعات مذکور و نقش آن‌ها در بهبود عملکرد در سیستم آموزشی مهم تلقی می‌گردد. با توجه به اینکه اکثریت دانشجویان با مفاهیم پایه‌ای

اطلاع‌رسانی دانشگاهی و توانایی در ارائه سخنرانی (۲،۹۷)" مهارت خود را مطلوب ارزیابی کرده اند. با توجه به اینکه رویکرد آموزشی در مقطع تحصیلات تکمیلی مبتنی بر دانش‌محوری و نقش فعال دانشجویان در فرایند آموزشی است لذا آشنایی با وسایل آموزشی و نحوه کاربرد آن تفسیرپذیر است. "آشنایی با منابع اطلاع‌رسانی و نحوه دستیابی به آن" نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است که می‌تواند موجبات رشد و توسعه مدرسین آینده‌ی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور را فراهم آورد. لذا با توجه به اینکه یکی از اهداف مقطع تحصیلات تکمیلی، تربیت پژوهشگر و رشد توانمندی‌های پژوهشی دانشجویان این مقطع می‌باشد. لذا آشنایی با منابع اطلاع‌رسانی و نحوه دستیابی به آن به‌عنوان یکی از اصول پایه‌ی پژوهش توجیه‌پذیر است. نحوه ارائه سخنرانی نیز از دیگر مهارت‌های بود که دانشجویان وضعیت خود را مطلوب ارزیابی کردند. با توجه به رویکرد آموزشی در دوره‌ی تحصیلات تکمیلی که ارائه دروس به‌صورت کار گروهی و ارائه توسط دانشجویان می‌باشد کسب مهارت نسبی در این مؤلفه نیز تفسیرپذیر است.

گروه هدف کمترین مهارت خود را در موضوعات مرتبط با "آشنایی با روش‌های ارزشیابی فراگیران و مزایا و معایب هر روش، تفسیر و تحلیل نتایج سؤالات آزمون و استفاده از نتایج ارزشیابی" ارزیابی کردند. هر سه مهارت مرتبط با مجموعه مهارت‌های ارزشیابی و سنجش دانشجو است. دانشجویان عمدتاً با آموزش و روش‌های تدریس بطور نسبی آشنا هستند اما با روش‌های سنجش و مهمتر از همه با تفسیر و کاربرد نتایج آن بیگانه هستند. لذا ضروری است موضوعات مرتبط با تأکید بر کاربرد آن در الویت مباحث آموزشی مرتبط با دوره‌های تربیت اعضای هیئت‌علمی قرار گیرد. نیاز آموزشی در رابطه با مهارت‌های سنجش فراگیران در مطالعات دیگر نیز مورد توجه قرار گرفته است (۲۰، ۲۵).

نکته شایان توجه در پژوهش حاضر، تعیین مجموعه مهارت‌های مرتبط با ارزشیابی دانشجو در دوسر طیف کمترین مهارت و کمترین نیاز است

و اساسی آموزش ناآشنا هستند لزوم یادگیری مفاهیم یادگیری و مبانی فلسفی و تئوری آن می‌تواند در انتخاب هدایت فرایند آموزش و ارزشیابی و روش تدریس مؤثر واقع گردد. نتایج مطالعه فرهادیان با نتایج مطالعه حاضر متفاوت بود که با توجه به جامعه پژوهش انتخابی مطالعه مذکور تفسیرپذیر است.

کمترین نیاز در مهارت‌های تدریس دانشجویان در مطالعه حاضر مربوط به موضوعات "تفسیر و تحلیل نتایج سؤالات آزمون (۱/۹۴) و استفاده از نتایج ارزشیابی (۲/۲۳)، آشنایی با روش‌های ارزشیابی فراگیر (۲/۳۵)" تعیین شد. هر سه مهارت مذکور مرتبط با مجموعه مهارت‌های ارزشیابی و سنجش فراگیران است. با توجه به اینکه جامعه مورد بررسی در رشته‌های علوم پایه مشغول به تحصیل بودند، به نظر می‌رسد اعلام نیاز کمتر به مهارت‌های مذکور ناشی از عدم آگاهی از اهمیت ارزشیابی در بهبود عملکرد فراگیران و سیستم آموزشی است. لذا این امر آموزش اهمیت، فلسفه و کاربرد ارزشیابی فراگیران و ارزشیابی برنامه را ضروری می‌سازد. همچنین آموزش مفاهیم و روش‌های ارزشیابی و چگونگی تفسیر و تحلیل نتایج آزمون در دوره‌های آموزشی مرتبط با تدریس الزامی است. فرهادیان در مطالعه خود اذعان کرد اغلب اساتید گروه پزشکی در دوران تحصیل، درسی در زمینه‌ی ارزشیابی نگذرانده اند و کارگاه‌های برگزار شده نیز از نظر طول مدت برگزاری و محتوی آموزشی متناسب با نیاز اساتید طراحی نشده است و شرکت در کارگاه‌های ارزشیابی نتوانسته جوابگوی نیاز آنان باشد (۱۳). این امر نشان‌دهنده‌ی نیاز مدرسین آموزش در زمینه ارزشیابی و تحلیل نتایج آن و کاربرد ارزشیابی در سیستم آموزشی است. بنابراین تأکید بر موضوع مذکور در مطالعات مختلف نیاز به برنامه‌ریزی مدون و کاربردی در رابطه با فرایند اجرای ارزشیابی فراگیر و استفاده از نتایج آن را در سیستم آموزشی بیش از پیش ضروری می‌سازد.

دانشجویان مورد بررسی در موضوعات مرتبط با "آشنایی با انواع وسایل آموزشی و کاربرد آن‌ها (۳،۱۰)، آشنایی و نحوه دسترسی به منابع

های و نیازهای منتج از تحلیل شکاف و نیازسنجی انجام گیرد که این امر توجه و حمایت بیش از پیش متولیان مقاطع تحصیلات تکمیلی را در راستای تحقق اهداف والای آموزشی را نیاز دارد.

منابع

1. Shabani H. Skills education. 3rd ed. Tehran: samt company; 1994:150 [Persian].
2. Hbibzade K, Alikhani K. Review some of the masters level clinical features main parts of Qazvin University Hospital and Comparison with characteristics of Islam in the Master of 2000-2001 interns. Medical dissertation. University of Shahid Babaei. 2001.
3. Mazloomi Mahmood Abad SS, Rahaei Z, Ehrampoush MH, Soltani T. The characteristics of an expert faculty member based on view points of medical students – Yazd, Iran – 2008.
4. Houston K, Clark M, Levine B, et al. Outcomes of a national faculty development program in teaching skills: prospective follow-up of 110 internal medicine faculty development teams. J Gen Intern Med. 2004, 19:1220-1227.
5. Vahabi A, Nadrian H, Sayyadi M, et al. A Quantitative Study of Determinant Factors of Effective Teaching in Kurdistan University of Medical Sciences: Non-Clinical Teachers' Viewpoints. Iranian Journal of Medical Education. 2012, 12.
6. Yamani N, A, Changiz T. Proposing a Participatory Model of Teacher Evaluation Iranian Journal of Medical Education. 2006, 6:122-115.
7. International labor Organization. (2004). Workers, training International Labor Organization, available from: URL: <http://ilo.org>.
8. Gordon S. Systematic Training Program Design: Maximizing Effectiveness and Minimizing Liability. 1st ed. New York: Prentice Hall; 1994.
9. Karimi S, Javadi M, Yaghoobi M, Fathalizade S, Molayi M. Need Assessment of Continuing Professional Education of Health Care Management Graduates, Working in the Medical University of Isfahan & Related Health Centers* Health Information Management. 2011, 8:70.
10. Shriatmadari M. Theories and models of training human resources in organizations: yekan, 2001.
11. Barratt S, Mover A. Effect of a teaching skills program on faculty skills and confidence. Ambul Pediatr. 2004, 4:117-120.
12. Newble D, Cannon R: A handbook for medical teachers. 3rd ed. Dordrecht: Kluwer Academic; 1999.
13. Farhadian F, Tootoonchi M, Changiz T,

که می‌تواند مؤید این امر باشد، دانشجویان از اهمیت و لزوم ارزشیابی به‌عنوان ابزار بهبود کیفیت و یادگیری سیستم آموزشی آگاهی نداشته‌اند؛ بنابراین آموزش روش‌های ارزشیابی و تأکید بر کاربرد نتایج و تفسیر آن از مهارت‌های حائز اهمیت در کارگاه‌های آموزشی مرتبط با روش‌های تدریس است.

آشنایی با منابع اطلاع‌رسانی دانشگاهی، مجلات Full Text و نحوه دسترسی به آن‌ها نیز از دیگر مؤلفه‌های بود که هم در طیف بیشترین نیاز و از سوی دیگر بیشترین مهارت قرار گرفته است. این امر نشان‌دهنده‌ی درک اهمیت مؤلفه‌ای مذکور در بین دانشجویان موردبررسی در راستای پیشبرد اهداف سیستم آموزشی است از یکسو و نیاز به بهبود عملکرد خود در مهارت مذکور است. مطالعه‌ای نشان داد برگزاری دوره‌های آموزشی و تربیتی به‌منظور آشنایی و تقویت مهارت‌های تدریس در طول دوره تخصصی باید موردتوجه بیشتری قرار گیرد و بهتر است براساس سنجش نیازهای موجود، برنامه‌های آموزشی مهارت‌های تدریس برای دستیاران از ابتدای ورود به دوره تخصصی در نظر گرفته شود (۳۱).

با توجه به اهمیت برنامه‌ریزی آموزشی در راستای آمادگی دانشجویان دکترای تخصصی برای تدریس اما این موضوع در جامعه پژوهش مورد بررسی کمتر توجه شده بود. مشکلات مربوط به دسترسی به کلیه جامعه موردبررسی و ناآشنایی با مفاهیم تدریس از جمله محدودیت‌های پیش رو بود. اما با این وجود نتایج مطالعه حاضر می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های دوره‌های آموزشی مهارت‌های تدریس دانشجویان مورد استفاده قرار گیرد و آموزش اثربخش مبتنی بر نیاز را تحقق بخشد.

نتایج مطالعه مؤید مهارت ناکافی دانشجویان در مهارت‌های تدریس است که این امر لزوم برگزاری دوره‌های آموزشی مبتنی بر توانمندی و مبتنی بر عملکرد که هدف آن یادگیری و ارتقای مهارت فراگیران تا رسانیدن آنان به توانمندی اجرای موفقیت‌آمیز برای ایفای وظایف حرفه‌ای است را ضروری می‌سازد؛ بنابراین لازم است تدوین و پیاده‌سازی برنامه‌های آموزشی اثربخش، براساس الویت

Evaluating the course plan status of faculty staff of shahid Saduoghi University of Medical Science of Yazd in the year Iranian Journal of Medical Education. Iranian Journal of Medical Education. 2002, 2:37-38.[Persian]

28. Mobaraki A, Noobandegani Z, Mahmoodi F. Important of clinical lesson plan and implementation barriers. Iranian Journal of Medical Education. 2011, 11:528-530.

29. Avijgan M, Karamalian H, Ashourioun V, Changiz T. Educational Needs Assessment of Medical School's Clinical Faculty Members in Isfahan University of Medical Sciences Iranian Journal of Medical Education. 2009, 9:93-102.

30. Ghorbani R H, Heidarifar M, Andade F, Shams Abadi M. Viewpoints of nursing and paramedical students about the features of a good university lecturer. Journal of Semnan University of Medical Sciences 2009, 10:77-83.

31. Soltani Arabshahi SK, Ajami A, Siabani S. Determination of the Effect of Teaching Skills Workshop on the Quality of Residents' Teaching. Iran University of Medical Sciences and Health Services J. 2003, 39:49-58.

Haghani F, Oveis Gharan S. Faculty members' skills and educational needs concerning clinical teaching methods in Isfahan University of Medical Sciences Iranian Journal of Medical Education. 2007, 1:109-118.

14. Seif A. Modern educational psychology - Psychology of Learning and Teaching. tehran: nill, 2008.

15. Farhadian F, Tootoonchi M, Changiz T, Haghani F, Oveis Gharan S. Faculty Members' Skills and Educational Needs Concerning Clinical Teaching Methods in Isfahan University of Medical Sciences Iranian Journal of Medical Education. 2007, 7:118-109.

16. Moulavi PR, Mohammadnia H, Rasoulzadeh B, Fadaei A. Evaluation of the factors responsible for the reduction of educational motive of the students in Ardebil university of medical sciences. Journal of medical council of I.R.I. 2007; 25:53-58.

17. Brewer EB. Professor's role in motivating students to attend class. Journal of Industrial Teacher Education. 2005, 42.

18. Roohi G, Asayesh H. Students' Academic Motivation in Golestan University of Medical Sciences Iranian Journal of Medical Education. 2012, 12:152-159.

19. Tella A. The Impact of Motivation on Student's Academic Achievement and Learning Outcomes in Mathematics among Secondary School Students in Nigeria. Eurasia Journal of Mathematics. Science& Technology Education. 2007;3:149-156.

20. Farhadyan F, et al. Assess faculty attitudes toward teaching practical skills and techniques for their educational needs. Strides in Development of Medical Education. 1387, 5:143=147.

21. Riner E, Billing . Faculty development for teaching in a changing health care Environment: a statewide needs assessment. J Nurs Educ. 1999, 38:427-429.

22. Saneh A. [rahbordhaye amoozeshe maharathaye tafakkore enteghadi]. Roshde moallem. 2004. 22; 21-24. [Persian].

23. Vaughan-Wrobel B, O'Sullivan P, Smith L. Evaluating critical thinking skills of baccalaureate nursing students. J Nurs Educ. 1997, 36:485-488.

24. Haghani F, Aminian B, Kamali F, Jamshidian S. Critical Thinking Skills and Their Relationship with Emotional Intelligence in Medical Students of Introductory Clinical Medicine (ICM) Course in Isfahan University of Medical Sciences. Iranian Journal of Medical Education. 2010, 10:906-917.

25. Abbaszadeh AM, Nikbakht A. Educational needs of nursing managers of public hospitals Journal of Nursing Research. 1388, 15.

26. Shabani H. [Maharathaye amoozeshi va parvareshi (ravessha va fonoone tadris)]. 6th ed. Tehran: SAMT. 2007.[Persian].

27. Mansourian H, Shoja M, Salimi T, et al.

Gap analysis of skill and educational need's Ph.D. students in Tehran University of medical science as regards teaching skill

Maryam Najafi, Medical Student, Medical School, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
Minoo Najafi, Medical Student, Medical School, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
Fatemeh Keshmiri, PhD Student in Medical Education, Medical School, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran (*Corresponding author). Fkeshmiri1385@gmail.com

Abstract

Background: Training of PhD student as future faculty member need to planning base on systematic need assessment. The aim of present study was assessed educational needs of PhD student's medical faculty in Tehran University of Medical Sciences.

Methods: In a descriptive study, 87 PhD student teaching in Tehran University of Medical Sciences were selected by random stratified sampling and completed a 16 item questionnaire as self-administered. The questionnaire was about their skills and educational needs in teaching methods. This questionnaire was assessed (need $\alpha=0.95$, skill $\alpha= 0.86$). The data was analyzed by SPSS software using frequency distribution, mean, standard deviation, and linear regression.

Results: The Response rate was 100%. PhD student had educational needs in all 16 areas under investigation. They considered their skills at familiar without implementation. (3.98:5). Priority need's student was organized presentation and motivation method in teaching. the lowest skill's student was in student assessment Field. The results showed no significant relationship between the subjects' skills and educational needs, and their demographic characteristics.

Conclusion: Considering educational need of PhD student, teaching skill workshop base on their needs is necessary in training teacher.

Keywords: Teaching Skill, Need Assessment, Education.